

لارنس پیرین

ترجمه فاطمه راکمی

معنی صریح و مفهوم ضمنی^۱



یک تمایز عمده بین کاربرد عملی زبان و کاربرد ادبی آن، این است که در ادبیات — بخصوص شعر— یک استفاده کاملتر از واژه‌ها صورت می‌گیرد. نگاهی به ترکیب واژه‌ها، درک این مطلب را روشتر می‌کند، *زبان و مطالعات فرهنگی* یک واژه معمولاً از سه جزء تشکیل شده است: «آوا»، «معنی صریح» و «مفهوم ضمنی».

این واژه به عنوان ترکیبی از آهنگ و صدا آغاز می‌شود که لب‌ها، زبان و گلو آن را ادا می‌کنند و صورت نوشتاری، نمادی برایش محسوب می‌شود. فرق واژه با آهنگ موسیقی یا یک صدای عادی، این است که به واژه معنایی متصل است. بخش اصلی معنای واژه را معنی یا معانی صریح آن تشکیل می‌دهد. منظور از معنی صریح، معنی لغوی واژه است که معمولاً در فرهنگ لغات در مقابل آن نوشته می‌شود.

ممکن است یک واژه، علاوه بر معانی صریح، مفهومی یا مفاهیمی ضمنی نیز داشته باشد. منظور از مفاهیم ضمنی، چیزهایی است که یک واژه، علاوه بر آنچه بیان می‌دارد،

لقا می‌کند. برای مثال، معنی صریح واژه «home» در انگلیسی، محلی است که کسی در آن زندگی می‌کند؛ اما مفاهیم ضمنی آن عبارتند از: امنیت، عشق، آسایش و خانواده. همچنین واژه‌های «childish» و «childlike»، هر دو مبین ویژگی کودکانه هستند؛ اما در حالی که «childish» دارای مفاهیم ضمنی خردی، خودسری و بدخلقی است، «childlike» مفاهیم ضمنی مظلومیت، بیگناهی و سادگی کودکانه را در بر دارد.

مفهوم ضمنی برای شاعر بسیار مهم است، زیرا یکی از ابزارهای است که وی می‌تواند به کمک آن، معنی خود را فشرده یا غنی سازد؛ یعنی با واژه‌های کمتر، حرف بیشتری بزند.

برای نمونه، شعر کوتاه زیر را در نظر بگیرید:

«There is no *frigate* like a book»

«کدام کشتی چون کتاب است؟!»

There is no frigate like a book

کدام کشتی چون کتاب است

to take us lands away.

که ما را تا سرزمین‌های دوردست ببرد

Nor any *Courses* like a page

و کدام گلّه از اسبان تیز تک

of prancing poetry.

چون صفحه‌ای از یک شعر پرشور می‌تازد

This traverse may the poorest take

این سفر را بی‌چیزترین کس می‌تواند

without oppress of toll;

بی‌هیچ هزینه‌ای برود

How frugal is the *Chariot*

چه کم‌خرج است ارابه‌ای

That bears the human Soul!

که روح انسان را حمل می‌کند!

Emily Dickinson (1830 - 1886)

امیلی دیکینسون (۱۸۳۰ - ۱۸۸۶)

در این شعر، امیلی دیکینسون می‌خواهد از قدرت یک کتاب یا شعر صحبت کند که ما را تا دوردست‌ها می‌برد و این امکان را به ما می‌دهد که از محیط بلافصل خود به عالم خیال بگریزیم. برای این کار، او ادبیات را به وسایل مختلف حمل و نقل تشبیه کرده است: به کشتی، به گلّه‌ای از اسبان تیز تک تندرو، و به ارابه جنگی. اما در انتخاب انواع وسایل حمل و نقل و نام‌های آنها دقت داشته و آنهایی را انتخاب کرده که مفاهیم ضمنی رمانتیک دارند.

مثلاً «frigate» در انگلیسی دارای مفهوم ضمنی اکتشاف و ماجراست. همین‌طور

«coursers» القا کننده مفاهیم ضمنی «جرأت، شهامت، زیبایی و سرعت است.»
 «chariot» نیز مفهوم ضمنی سرعت و قدرت پیمودن زمین و هوا را توأمأ دارد. می بینید که
 واژه های انتخاب شده چه نقش تعیین کننده ای در مفهوم کلی شعر دارند.

اگر شاعر به جای این واژه ها از واژه های مثل «steamship» (کشتی بخار)،
 «horse» (اسب) و «streetcar» (تراموا) استفاده می کرد، مسلماً به هیچ وجه نمی توانست
 تأثیری را که شعر در حال حاضر در ذهن خواننده می گذارد، ایجاد کند. یک واژه
 همچنان که می تواند مفاهیم ضمنی مختلف داشته باشد، ممکن است دارای بیش از یک
 معنی صریح نیز باشد. اگر ذیل واژه «spring» را در یک فرهنگ لغت انگلیسی نگاه
 کنیم، بین ۲۵ الی ۳۰ معنی مختلف برای آن می یابیم، که از آن جمله اند: جهش یا
 خیزش، یکی از فصل های سال، چشمه طبیعی آب، سیم پیچ قابل ارتجاع. این معانی
 صریح مختلف، با سایه های مفهوم ضمنی ترکیب شده، زبان را پیچیده و کاربرد آن را
 دشوار می سازد. کسی که از واژه ها استفاده می کند، باید دقت داشته باشد که با به کار گرفتن
 زبانی مناسب، دقیقاً مفاهیم مورد نظر خود را بیان کند.

تفاوت نویسنده ای که از زبان برای انتقال اطلاعات استفاده می کند، با یک
 شاعر، در این است که نویسنده مجرب، همواره سعی دارد هر یک از واژه های تنها یک
 معنی داشته باشد؛ اما شاعر، اغلب با استفاده از این حقیقت که واژه دارای بیش از یک
 معنی است، از آن برای انتقال چند معنی به طور همزمان سود می جوید.
 بنابراین، وقتی ادیت سیول^۳ در یکی از اشعار خود می نویسد:

«This is the time of the wild spring and the mating of tigers».

(موسم بهار وحشی و جفتگیری ببرهاست)،

مخصوصاً از واژه «spring» استفاده می کند، که در زبان انگلیسی، همزمان، دلالت بر فصل
 بهار و خیز برداشتن دارد. او همچنین از «tigers» (ببرها) به جای «lams» (بره ها) و یا
 «birds» (پرنده گان) استفاده می کند؛ زیرا این واژه نیز به نوبه خود، دارای مفهوم ضمنی
 درندگی و سببیت است، که دو واژه دیگر فاقد آنند.

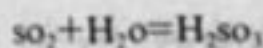
خیلی ها به غلط فکر می کنند که شاعر همواره در جستجوی واژه های زیبا و متین
 است، در حالی که چیزی که شاعر واقعاً به دنبال آن است، پر معنی ترین واژه هاست.

زبان دارای سطوح بسیار و تنوعات فراوان است، که شاعر می تواند از میان همه

آنها انتخاب کند. واژه‌های شاعر ممکن است عالی یا پست، خیالی یا واقعی، کهنه یا نو، فنی یا متداول، یک‌سیلابی یا چندسیلابی باشد. واژه‌های شعر «کدام کشتی چون کتاب است» امیلی دیکینسون، و واژه‌های شعر «مردی که کشتمش» توماس هاردی، از حوزه‌های کاملاً متفاوت زبان انتخاب شده، ضمن اینکه سراینده هر یک از آنها پرمعنی‌ترین واژه‌ها را برای بافت شعری خود برگزیده است. گاه ممکن است شاعر واژه‌ای را از یک سطح یا حوزه زبانی وارد شعری کند که اکثر واژه‌های آن شعر متعلق به سطح یا حوزه‌ای متفاوت است. چنانچه او این کار را بدون مهارت لازم انجام دهد، نتیجه کارش یک چیز ناجور و نامتجانس خواهد بود؛ در حالی که اگر این عمل ماهرانه انجام شود، نتیجه، ایجاد شگفتی و ارائه معانی بیشتر به خواننده خواهد بود. در واقع، تنوع‌ی فراوان زبان، غنی‌ترین منبع برای استفاده شاعر است.

وظیفه شاعر، کشف مداوم است؛ او معمولاً در صدد یافتن واژه‌هایی است که با قرابت پنهانی که با هم دارند، وقتی کنار هم می‌نشینند، معانی شگفت می‌آفرینند. کسی که از زبان برای انتقال اطلاعات استفاده می‌کند، تا حد زیادی نسبت به آوای واژه‌هایی که به کار می‌برد، بی‌تفاوت است، ضمن اینکه معانی صریح و مفاهیم ضمنی متعدد، مزاحم کار اوست. می‌توان گفت چنین فردی بخشی از واژه را به کار می‌گیرد و بقیه آن را دور می‌ریزد! اما شاعر سعی می‌کند تا آنجا که می‌تواند، از واژه استفاده کند. او به آوای واژه‌ها علاقه‌مند است و از آن برای تقویت معنی استفاده می‌کند؛ همچنین به مفهوم ضمنی واژه دارد و از آن برای غنا بخشیدن به معنی سود می‌جوید؛ و نیز ممکن است از بیش از یک معنی صریح برای واژه استفاده کند.

خالصترین شکل زبان عملی، زبان علمی است. دانشمند برای انتقال دقیق اطلاعات، نیاز به یک زبان دقیق دارد. این واقعیت که واژه‌ها دارای معانی صریح بسیار و سایه‌های متعدد مفهوم ضمنی هستند، موانعی برای دستیابی او به هدف ایجاد می‌کنند. زبان ایده‌آل او زبانی است که در آن بین واژه و معنی تطابق یک به یک باشد، یعنی در مقابل هر واژه فقط یک معنی، و در برابر هر معنی تنها یک واژه وجود داشته باشد. از آنجا که زبان معمولی این شرط را تأمین نمی‌کند، دانشمند زبانی ویژه برای خود اختراع کرده است. جمله زیر یکی از جمله‌های زبانی اوست:



در چنین جمله‌ای نهادها کاملاً صریح و غیر مبهمند؛ یعنی از همه معانی صریح و مفاهیم ضمنی به جز یکی، تهی شده‌اند. واژه «sulphur» در انگلیسی، چنانچه در شعر می‌آید، می‌توانست همه مفاهیم زیر را داشته باشد: آتش، دود، سولفور، جهنم، لعنت! اما H_2SO_4 فقط و فقط یک معنی دارد، و آن «اسید سولفور» است.

پس ابهام و چندگانگی معانی در واژه‌ها، مانعی است برای کار دانشمند، در حالی که منبعی است برای استفاده شاعر؛ یعنی همانقدر که دانشمند خواستار تک معنایی است، شاعر خواستار غنای معنایی است. در حالی که دانشمند شدیداً نیازمند زبان یک بُعدی است — به طوری که آن را اختراع می‌کند — شاعر به یک زبان چند بُعدی نیاز دارد، و آنرا با استفاده از یک واژگان چند بُعدی به وجود می‌آورد — واژگانی که در آن، وی به بُعد معنی صریح، دو بُعد مفهوم ضمنی و آوا را افزوده است.

بنابراین، اولین مسأله در خواندن شعریا هر نوع اثر ادبی دیگر، احساس کردن واژه‌هاست! لازم است با شکل، رنگ و مزه واژه‌ها آشنا شویم؛ دو راه برای نیل به این هدف وجود دارد:

۱ — استفاده گسترده از فرهنگ لغات

۲ — خواندن بسیار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

(۱) «معنی صریح» و «مفهوم ضمنی»، به ترتیب در مقابل واژه‌های «denotation» و «connotation» قرار گرفته‌اند، در حالی که برای «denotation» می‌توانستیم از معادل‌هایی چون «معنی» یا «معنی حقیقی» و برای «connotation» از معادل‌هایی مانند «معنی مجازی»، «دلالت ضمنی» یا «توارد» استفاده کنیم. به نظر می‌رسد بحث، تحت عنوان «معنی صریح» و «مفهوم ضمنی»، آسانتر می‌تواند پیام کلی مقاله را به خواننده ابلاغ کند. ضمناً این مقاله، ترجمه فصل سوم از کتاب Sound and sense Laurence Perrine است.

(۲) در فارسی، واژه‌های «کشتی»، «گلنه اسبان تیزنک» و «ارابه» که به ترتیب، معادل «chariot» و «frigate» و «coursers» قرار گرفته‌اند، معادل‌های گویایی برای این واژه‌ها نیستند و بالطبع نمی‌توانند

نقشی را که سه واژه انگلیسی در شعر اصلی ایفا می‌کنند، در ترجمه داشته باشند. ارائه اصل شعر انگلیسی در متن ترجمه به این دلیل صورت گرفته است که خوانندگان که به زبان انگلیسی آشنایی دارند، با توجه به اصل شعر و توضیحات داده شده در متن، مفاهیم ضمنی واژه‌ها را در شعر، به گونه‌ای که مورد نظر نویسنده بوده است، دریابند. مترجم.

(۳) Edith Sitwell.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۰، ۱۰۰ صفحه. (۱)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۱، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۱، ۱۰۰ صفحه. (۲)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۹۱، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۱، ۱۰۰ صفحه. (۳)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۱، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۱، ۱۰۰ صفحه. (۴)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۱، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۱، ۱۰۰ صفحه. (۵)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۲، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۲، ۱۰۰ صفحه. (۶)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۲، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۲، ۱۰۰ صفحه. (۷)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۹۲، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۲، ۱۰۰ صفحه. (۸)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۲، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۲، ۱۰۰ صفحه. (۹)
فصلنامه علمی-ادبی، شماره ۱۹، بهار ۱۳۹۳، تهران: انتشارات رتال، ۱۳۹۳، ۱۰۰ صفحه. (۱۰)